

کنترل سراسری، مسئله طبقه‌بندی منازعه و قابلیت کاربست حقوق بشردوستانه بر آن در بخش‌هایی آشکار می‌شود. در این شرایط، آیا داخلی‌شده نه یک نایاک، که یک آیاک خواهد بود، زیرا منازعه در اصل بین دولت‌هایی است که از کنشگران دیگر، شامل گروه‌های غیردولتی مسلح، به‌عنوان نایبانی در جهت دستیابی به اهداف ژئوپلیتیکی خود استفاده می‌کنند.

اما آنچه تصدیق معیار کنترل سراسری را در عراق، و با درجه‌ای پایین‌تر در سوریه، دشوار می‌سازد کمبود داده‌های تجربی از روابط کنشگران در منازعات است؛ زیرا دولت‌های درگیر در جنگ نیابتی از این جهت به واسطه گروه‌های غیردولتی مسلح عمل می‌کنند تا نقش خود، به‌عنوان طرفی از منازعه را پنهان و به تبع انکار کنند. به‌رحال، این نوع منازعه ارزنده پژوهش جداگانه بوده و بدین وسیله، کشف ارتباطات پنهان‌شده بین دولت‌ها و گروه‌های مسلح متنازع می‌تواند به بازطبقه‌بندی منازعات مسلحانه؛ از جمله در عراق و سوریه، منتهی شود.

نتیجه‌گیری

پژوهشگران حقوق بین‌الملل عمدتاً به شخصیت حقوقی بین‌المللی نگاهی متن‌محور، مبتنی بر تفسیر مضیق از حقوق بین‌الملل مدون و عرفی، داشته‌اند؛ مسئله‌ای که پویایی گسترش شخصیت حقوقی به کنشگران غیردولتی را محدود به متن کرده و با دیدگاهی بسیط از متن حقوقی به برخورداری یا برخوردار نبودن گروه‌های غیردولتی مسلح از شخصیت حقوقی بین‌المللی می‌رسند. زیست رویکرد دورن‌رشته‌ای در متن حقوقی گروه‌های مسلح را کنشگرانی بسیط و واحد در نظر گرفته و بر این مبنا شخصیت آنها را تفسیر می‌کند. در مقابل، رویکرد بینارشته‌ای مطروحه علاوه بر متن حقوقی، زمینه تجربی و سیاسی را نیز مورد ملاحظه قرار داده و از مدخل سیاست و روابط بین‌الملل به استنتاج شخصیت گروه‌های غیردولتی مسلح تحت حقوق بشردوستانه بین‌المللی می‌پردازد.

دستاورد این رویکرد بینارشته‌ای سیالیت شخصیت حقوقی گروه‌های مسلح است. به عبارتی، شخصیت حقوقی این گروه‌ها با ملاحظه زمینه میدان منازعه، قابل استنتاج از متن حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. بر این اساس، حکم مطلق